سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۹

نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



در مقابل بسته شدن پروژه راه آهن بوشهر – شیراز، غیرتمندانه مقاومت کنید

دکتر امان الله شجاعی

زمزمه‌های خروج خط راه آهن شیراز- بوشهر از اولویت سازمان برنامه‌ریزی



کودکان آواره در غزه: تصویر درد و امید در میانه جنگ

محی الدین حسینی



در شرایط بحرانی چکار کنم؟

حسین زیرراهی



انتخاب مدیران سازمان؛ از درون یا بیرون سازمان؟

دکتر علی حاجیانی



۷ راهکار برای تولد دوباره مدرسه در ایران

دکتر مرتضی نظری



گردشگری خلاق

منصور حاجی‌پور



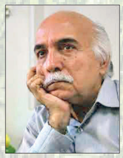
دریچه‌ای رو به تحقیقات روابط‌عمومی

عبدالحمید بنچاری



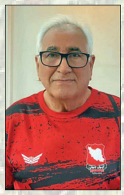
آقای نماینده، با عقلانیت و منطق به حل مشکلات بپردازید

ولید صفری



میان ماه من تا ماه گردون

حسین حشمتی

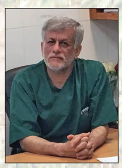


با اصرار برای خدمت از تهران به بوشهر آمدم

فرهاد امینی



حکایت فرزند واسموس در بوشهر



آقای رئیس‌جمهور، وفاق یا نفاق ملی؟

دکتر عبدالرحیم مهرور

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مرجعیت پزشکی هسته‌ای شد



سرپرست مدیریت آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: این دانشگاه موفق به کسب مرجعیت کشوری در زمینه پزشکی هسته‌ای مولکولی شد.

به گزارش ایرنا، هدایت سالاری در گفت وگو با خبرنگاران اظهار کرد: پس از بررسی‌ها توسط دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، این دانشگاه موفق به کسب ماموریت ویژه در حوزه پزشکی هسته‌ای و تصویربرداری مولکولی شد.

وی افزود: دستیابی به مرجعیت علمی کشوری توسط یک دانشگاه به سرآمدی و توانمندی خاص در یک حیطه و موضوع مربوط می‌شود و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با این دستاورد، در زمینه تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی پزشکی سلولی مولکولی در مقطع دکتری تخصصی نیز، توانسته اولویت اول و جایگاه نخست را داشته باشد.

سالاری تصریح کرد: مرجعیت در زمینه تشخیص، درمان و پژوهش‌های سلولی مولکولی نیز از دستاوردهای قبلی مرکز تحقیقات پزشکی هسته‌ای این دانشگاه است، به‌گونه‌ای که بسیاری از بیماران مبتلا به سرطان برای تشخیص و درمان از سراسر کشور به بوشهر ارجاع داده می‌شوند.

سرپرست مدیریت آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر افزود: مرکز پزشکی هسته‌ای و تصویربرداری مولکولی این دانشگاه، در راستای بسترسازی برای تحقق پژوهش‌های اقتدارآفرین و نوآورانه و فناوری‌های نوین پیش بالینی و بالینی بین‌رشته‌ای و چند تخصصی در جهت نیل به اهداف راهبردی این دانش و رسیدن به یک مرکز ممتاز در عرصه بین‌المللی، فعالیت و تلاش می کنند.

مردم استان بوشهر طول عمر کمتری نسبت به میانگین کشوری دارند

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر گفت: در ۶ ماه نخست امسال ۲ هزار و ۳۹۳ نفر در این استان با میانگین سنی برای مردان و زنان به ترتیب ۶۰.۲ و ۶۶.۶ سال فوت کردند. به گزارش ایرنا ، اسکندر پاسالار در گفت و گو با خبرنگاران اظهار کرد: این درحالی است که میانگین سن فوت مردان و زنان در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۶۰.۴ و ۶۷.۱ سال ثبت شده است.

وی افزود: طبق آمار مرکز رصد جمعیت کشور میانگین سنی فوت‌شدگان در کشور در ۶ ماهه نخست امسال برای مردان و زنان به ترتیب برابر با ۶۳.۸ و ۶۹.۹ سال بوده که نشان می دهد مردم استان بوشهر طول عمر کمتری نسبت به میانگین کشوری دارند.

پاسالار یادآور شد: بیشترین فوت ثبت شده ۶ ماه نخست امسال در استان بوشهر مربوط به اردیبهشت ماه با ۴۲۵ واقعه بوده است.

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر ادامه داد: از میان فوت شدگان این مدت، یکهزارو ۳۳۲ مرد و هزارو ۶۱ زن بوده است.

پاسالار تصریح کرد: نسبت جنسی افراد فوت شده در شش ماهه اول سال جاری ۱۲۵.۵ بوده است، به عبارتی در مقابل فوت هر ۱۰۰ زن، ۱۲۵.۵ واقعه فوت مردان به ثبت رسیده است که این شاخص در کشور ۱۲۸.۱ واقعه فوت برای مردان بوده است.

کلاهبرداری میلیاردی فروش دروغین اتومبیل در بوشهر

بالاکشیدن ۱۷۰ میلیارد تومان از پول خریداران



رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: ۲ نفر کلاهبردار با دام فروش خودرو و پیش بینی ۱۵۰ نفر مال باخته دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا ، مهدی مهرانگیز در گفت وگو با خبرنگاران اظهار کرد: تاکنون شکایت ۵۰ مال‌باخته مربوط به پرونده کلاهبرداری فروش خودرو در دادسرای بوشهر ثبت شده است.

وی افزود: کلاهبرداران با سوء استفاده از ۲ نمایشگاه اتومبیل که دارای پروانه کسب بودند از طریق فضای مجازی اقدام به تبلیغ برای خرید خودرو دست دوم و فروش خودرو نو با زیر قیمت بازار می کردند که عده‌ای در این زمینه فریب خورده اند.

مهر انگیز یادآور شد: با شکایت شماری از شهروندان در خصوص کلاهبرداری از آنان در فروش خودرو، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار دستگاه قضایی استان بوشهر قرار گرفت.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر با بیان اینکه مالباختگان از استان‌های مختلف هستند، اضافه کرد: تاکنون ۲ متهم دستگیر شده و دستگیری نفر اصلی هم در دستور کار است.

وی گفت: کلاهبرداران در این عرصه تبلیغات وسیعی در اینستاگرام برای تحویل فوری و اقساط خودرو انجام می‌دادند که قیمت‌های آن از بازار پایین‌تر بود و این مهم سبب جذب بسیاری از مردم در بوشهر و حتی خارج از استان شد.

بر اساس بررسی میدانی صورت گرفته، ۱۷۰ نفر از مردم استان‌های بوشهر و خوزستان و فارس در دام این کلاهبرداری گرفتار شده و بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان، کلاهبرداری شده است.

به نام خداوند مهربانی ها

اندک شمارند آنان که بدانند بر روی صحنه زندگی از برای چه آمده و وارسته و بند گسسته از خویشتن خویش، در گستره ای از کردارهای نیک، همگان را به انسانیتی اصیل رهنمون کرده باشند . آری، نمی‌توان نگفت و ننوشت از آنان که عهده‌دار پژواک مهرورزی شده‌اند، آنان که تردید را به تصمیم رسانده و جوانه های کوچک انسانیت را بی خستگی پاسدار شده اند.

انجمن حمایت از بیماران تالاسمی همیار استان با حمایت خیرین محترم نیک اندیش و بزرگوار برای جمعی از عزیزان تالاسمی چتر حمایت گشودن و این خیرین نیک‌اندیش مبلغ یک میلیارد و نود میلیون ریال معادل صد و نه میلیون تومان به عزیزان تالاسمی استان بوشهر کمک کردن و این مبلغ به حساب آنان واریز گردید تا در این شرایط تلخ روزگار کامی را شیرین سازند . و از خداوند متعال دعای خیر و سلامتی برای این خیرین محترم نیک اندیش بزرگوار خواستاریم .

انجمن حمایت از بیماران تالاسمی همیار استان بوشهر

کودکان آواره در غزه: تصویر درد و امید در میانه جنگ

محی الدین حسینی مقدم



در دل تاریکی‌های جنگ، تصویری از یک کودک آواره به چشم می‌خورد که خواهر مجروحش را بر دوش حمل می‌کند. این تصویر، نه تنها یک صحنه، بلکه یک تراژدی انسانی است که عمیق‌ترین زخم‌ها را بر دل‌ها می‌نهد. در این لحظه‌ی غم‌انگیز، ما شاهد بار سنگین درد و رنجی هستیم که هزاران کودک در غزه بر دوش دارند. کودکانی که به جای بازی و خندیدن، در میانه‌ی آتش و دود، در جستجوی امیدی کوچک هستند.

۱. وضعیت انسانی

کودکانی که به جای خنده و بازی، درگیر بحران‌های جنگی‌اند، بی‌پناه و ناتوان به نظر می‌رسند. تصویر این کودک، به ما یادآوری می‌کند که زندگی روزمره‌ی آن‌ها، در آغوش ترس و ناامیدی محصور شده است. چه بر سر دنیای آن‌ها آمده است؟ چرا باید در سنین کم، بار سنگین چنین رنجی را تحمل کنند؟ در این صحنه، ما نه تنها یک کودک را می‌بینیم، بلکه نمایانگر نسل‌هایی هستیم که به خاطر خشونت‌های بی‌پایان، در آتش جنگ سوخته‌اند.

۲. عشق و همبستگی

این کودک با عشق و دلسوزی، خواهر مجروحش را بر دوش می‌کشد، که نمادی از عشق و تعهد عمیق به خانواده است. در لحظه‌ای که دنیا به نظر بی‌رحم و سرد می‌آید، این تصویر نشان‌دهنده‌ی قدرت روابط انسانی است که می‌تواند در برابر سختی‌ها ایستادگی کند. عشق در دل تاریکی و رنج، به عنوان یک نور امید می‌درخشد، هرچند که این نور همواره در سایه‌ی ترس و درد و رنج محاصره شده است.

فاجعه انسانی در غزه: جنایات رژیم صهیونیستی و نقض حقوق کودکان

جنایات رژیم صهیونیستی، نه تنها یک واقعیت تلخ، بلکه یک فاجعه انسانی است که در قلب آن، کودکان بی‌گناه قربانی می‌شوند. آمارها نشان می‌دهند که هر ده دقیقه، یک کودک جان خود را از دست می‌دهد. با هر کودک، امیدی به آینده و رویاهایی که هرگز تحقق نخواهند یافت، از بین می‌رود. این آمار، تنها اعداد سرد و بی‌احساسی نیستند، بلکه داستان‌های بی‌شماری از زندگی‌ها، آرزوها و رویاهای از دست رفته‌اند.

- نقض حقوق بشر: حملات نظامی ددمنشانه و وحشی‌گری‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی، به وضوح نقض آشکار حقوق بشر و قوانین بین‌المللی هستند. کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حفاظت از کودکان در زمان جنگ، هرچند با هدف حمایت از حقوق این کودکان تدوین شده‌اند، در برابر واقعیت تلخ جنگ ناتوان به نظر می‌رسند. این قوانین، به محض وقوع بمباران‌ها و وحشی‌گری‌ها، عملاً بی‌اثر می‌شوند و ما را در سکوتی عمیق رها می‌کنند. این ناکارآمدی ضرورت اقدام فوری و مؤثر برای تضمین حقوق کودکان را بیش از پیش نمایان می‌سازد.



نتیجه‌گیری

این تصویر، اوج درد و رنج یک کودک آواره است که صدای نسل‌هایی را به گوش می‌رساند که در این جنگ ناعادلانه و با بی‌رحمی هرچه تمام‌تر این‌چنین قربانی شده‌اند. پشت این صحنه، مظلومیت یک ملت و جنایات این رژیم لعین نهفته است، جایی که امید و آینده در آتش جنگ و خشونت و وحشی‌گری‌های این رژیم غاصب گم شده‌اند. این تصویر، تلخی واقعیت‌های موجود را به ما یادآوری می‌کند و ما را به عمل و تغییر وضعیت کنونی فرا می‌خواند. در این تاریکی، باید نوری را بیابیم که امید را به دل‌های شکسته بازگرداند.

ما باید به یاد داشته باشیم که هر کودک، یک آینده است، آینده یک ملت، آینده یک سرزمین؛ سرزمینی که جنگ بر زمین و آسمانش سایه افکنده است و هر جنایت علیه آن‌ها، نه تنها یک جنایت علیه بشریت، بلکه یک حمله به تمام ارزش‌های انسانی است. بیایید با هم، برای حفظ این ارزش‌ها و حمایت از حقوق کودکان مظلوم فلسطین و لبنان تا آن‌جا که می‌توانیم تلاش کنیم.

زندگی آگاهانه

در شرایط بحرانی چکار کنم؟

حسین زیرراهی– مدرس مهارتهای توسعه فردی



هرجا انسان هست بحران و شرایط بحرانی وجود دارد. حتی در جوامع مرفه غربی هم بحرانهای اجتماعی مانند رکود اقتصادی، حوادث طبیعی و اقدامات تروریستی وجود دارد. احساس ترس و نگرانی در شرایط بحرانی کاملا طبیعی و غیر قابل انکار و چشم‌پوشی است. در نتیجه ما ابتدا باید بحران‌ها را بعنوان واقعیتی لاینفک از زندگی انسانی قبول کنیم بعد یاد بگیریم در شرایط بحرانی چطور بهترین عملکرد را داشته باشیم.

پیگیری اخبار در شرایط بحرانی امری عادی است چون مغز ما مرتب می‌پرسد بعد چه خواهد شد. در نتیجه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به سمت پیگیری اخبار کشیده خواهیم شد. ولی حداکثر یک‌بار در روز در حدی که بدانیم الان وضعیت چطور است کافی است. پیگیری بیشتر از این باعث ترس و نگرانی بیشتر شده و زندگی عادی‌مان را مختل می‌کند. چون بعد از هر بار اخبار گوش کردن تا چند ساعت مغز در حال پردازش اطلاعات آن است. این فرایند حتی در زمان خواب ما هم جریان دارد. اگر خیلی اصرار دارید که بدانید قرار است چه اتفاقاتی بیافتد بهتر است به جای اخبار، تحلیل‌ها و مقالات عمیق‌تر را بخوانید. البته این تحلیل ها معمولا قبل و بعد از حوادث منتشر می‌شود. در وسط بحران حتی تحلیلگران کارکشته هم نمی‌دانند سیر اتفاقات به کدام سو خواهد رفت.

یک روش خوب برای درک روند وقایع توجه به موارد مشابه در گذشته یا جاهای دیگر است. مثلا اگر قرار است در نقطه‌ای جنگی در بگیرد باید دید در چنین حالتی در نقاط دیگر چطور اتفاق افتاده است. این الگوبرداری برای وقایع طبیعی مانند سیل و طوفان و اجتماعی مانند انقلاب، تحریم و غیره هم می‌تواند مفید باشد. هرچند همیشه مقداری از عدم قطعیت در هر شرایطی وجود دارد. ولی کمک می‌کند بخشی از خطر را پیش‌بینی کنید. شاید اصلا خطر قابل توجهی وجود نداشته باشد. یا این‌که واقعا شرایط حاد است و لازم است دست به اقدام بزنید.

اقدامات مورد نیاز در شرایط بحرانی معمولا شامل کاهش خطر جانی و بعد مالی است. ممکن است لازم باشد به صورت موقت از جایی که هستید جابجا شوید. یا در جهت حفظ دارایی خود کاری انجام دهید. مثلا الان دیگر مردم ایران یاد گرفته‌اند در دوره‌های زمانی مشخص سقوط پول ملی اتفاق می‌افتد. بنابراین قبل از آن نقدینگی خود را به دارایی‌های دیگر مانند ملک، طلا و ارز تبدیل می‌کنند. ولی نکته خیلی مهم پرهیز از اقدامات احمقانه است. مثلا این‌که قبل از گران شدن بنزین دوازده ساعت برای یک باک بنزین در صف بایستیم منتهای حماقت است. یا در شرایط تورم و گرانی به فروشگاه‌های خواروبار حمله‌ور شویم همین‌طور. این کارها هم به خود و هم دیگرانی که در آن زمان نیاز واقعی به آن کالاها دارند آسیب می‌رساند.

اگر این کارها را انجام دادید بقیه موارد دیگر در کنترل شما نیست. تصمیمات کلان کشوری، شرایط جغرافیایی و رفتار بقیه مردم دست شما نیست. در نتیجه بهتر است سیر عادی زندگی خود را ادامه دهید. یعنی همان کارهایی که هر روز انجام می‌دادید. انجام وظایف و فعالیت‌های روزانه حتی باعث کاهش نگرانی‌های بی‌مورد ما هم می‌شود.

هشدار مرکز پژوهش‌ها نسبت به بی‌عملی سیاستگذار در حل ناترازی‌ها :

زنگ خطر افزایش و تثبیت نرخ فقر در ۳۰ درصد جمعیت ایران

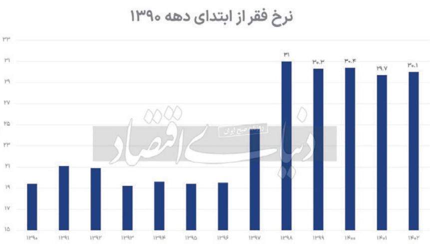
آخرین بررسی‌های نهادهای پژوهشی نشان می‌دهد که نرخ خط فقر در سال۱۴۰۲ به رقم ۳۰.۱درصد جمعیت ایران رسیده است. این رقم نسبت به سال قبل از آن ۰.۴واحد درصد بیشتر شده است.

بررسی‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که نرخ فقر در سال ۱۴۰۲ با افزایش ۰,۴واحد درصدی نسبت به سال ۱۴۰۱ به ۳۰,۱ درصد رسیده است. این به معنای آن است که در سال گذشته یک‌سوم از ایرانیان توانایی برآورده کردن نیازهای اساسی خود را نداشتند. نکته قابل توجه آن است که در ۵ سال گذشته نرخ فقر ۳۰درصدی تثبیت شده است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۰۳ نیز در همین سطح باقی بماند. به گزارش دنیای اقتصاد شکاف فقر نیز در این سال به عدد ۰,۲۸ رسیده است. به عبارت دیگر با وجود آن‌که رشد اقتصادی یکی از اصلی‌ترین پادزهرهای رشد فقر در یک اقتصاد است، نرخ فقر در ایران در حالی افزایش یافته که اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۲ رشد ۴,۵درصدی را تجربه کرده است. دلیل اصلی این اتفاق سهم بالای نفت از رشد اقتصادی و به عبارت دیگر فراگیر نبودن رشد اقتصادی در ایران است. افزایش نرخ فقر نشان می‌دهد سیاست‌های حمایتی دولت در سال‌های گذشته موفق نبوده و هزینه عمل به تعهدات یارانه‌ای تنها به بار بزرگی روی دوش بودجه تبدیل شده است. درحال‌حاضر کارشناسان معتقدند که ریشه‌های اصلی گسترش نرخ فقر در کشور نابسامانی اقتصاد کلان و به طور خاص تورم‌های بالا و مزمن است. به همین دلیل توصیه می‌شود که سیاستگذاران در زمینه ایجاد ثبات اقتصادی و مهار تورم گام بردارند. تداوم وجود تورم‌های بالا خروج از فقر را سخت و کارآیی سیاست‌های توانمندسازی و حمایتی را کاهش می‌دهد. علاوه بر مسئله فقر می‌توان گفت که پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۴ به ۲,۸درصد برسد و نرخ تورم تا پایان سال مذکور نسبت به شهریور سال جاری ۸درصد کاهش یابد. همچنین گفته می‌شود که بودجه تا پایان سال ۱۴۰۳، ۳۰۰هزار میلیارد تومان کسری خواهد داشت. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش «تحلیل تحولات و چشم‌انداز اقتصاد ایران» به ارائه تصویری از اقتصاد ایران پرداخته است.

تصویر اقتصاد کلان ایران

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد اقتصاد ایران پس از چهار سال رشد بالای ۴درصد، در بهار ۱۴۰۳ با کاهش ۲,۵درصدی مواجه شد. این کاهش به دلیل قطعی برق صنایع، افت صادرات نفتی، و سیاست‌های بودجه‌ای انقباضی دولت بوده است. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به ترتیب ۲,۵ و ۲,۸درصد باشد، که پایین‌تر از هدف ۸درصدی برنامه هفتم است. علاوه بر این می‌توان گفت تورم در شهریور ۱۴۰۳ به ۳۵درصد رسید، اما روند کلی آن نزولی بوده است. با این‌حال، به دلیل رشد اجاره‌بها، کاهش نرخ تورم آهسته‌تر پیش‌بینی می‌شود و ممکن است تا پایان ۱۴۰۴ تنها ۸درصد کاهش یابد.

بررسی وضعیت بودجه نشان می‌دهد دولت تا پایان سال ۱۴۰۳ برای تامین بودجه عمومی به حدود ۳۰۰هزار میلیارد تومان منابع جدید نیاز دارد. به نظر می‌رسد بخشی از این کسری با عدم تخصیص برخی هزینه‌ها، مطابق با روال سال‌های گذشته، کاهش خواهد یافت. چالش اصلی دولت درخصوص بودجه، کسری هدفمندی یارانه‌هاست که در سال‌های اخیر آسیب‌های زیادی به انضباط مالی دولت وارد کرده است. روند کسری سازمان هدفمندی یارانه‌ها در مدت کوتاهی به‌طور چشمگیری افزایش یافته و چشم‌انداز کوتاه‌مدت سال ۱۴۰۳ نیز نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت است. برای روشن شدن شرایط، کافی است بدانیم در سال ۱۴۰۲، کسری هدفمندی به ۱۷۰هزار میلیارد تومان رسیده است. بررسی وضعیت‌تراز حساب جاری در فصول اخیر نیز نشان‌دهنده افزایش این تراز به دلیل رشد



قابل‌توجه صادرات نفتی در بهار ۱۴۰۳ است. در صورت تداوم این روند و همچنین فرض تداوم رشد صادرات غیرنفتی و واردات مشابه شش‌ماهه نخست سال، پیش‌بینی می‌شود که تراز حساب جاری در سال ۱۴۰۳ به مازاد ۱۳,۷میلیارد دلار برسد. ثبت چنین آماری از منظر بازار ارز به معنای توانایی بیشتر بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز خواهد بود. بااین‌حال، وابستگی بالای تراز حساب جاری به صادرات نفتی باعث می‌شود هرگونه تکانه خارجی در صادرات یا قیمت نفت به‌طور فوری اثری قابل‌توجه بر تراز حساب جاری و نرخ ارز داشته باشد.

بازگشت نرخ فقر به ۳۰ درصد

در سال‌های گذشته عوامل متعددی دست به دست هم داده و موجب شد نرخ فقر به صورت چشمگیری رشد کند. افزایش نرخ فقر در تمامی کشورها می‌تواند زنگ خطر اقتصادی و اجتماعی در جامعه باشد. نرخ فقر از سال ۱۳۹۷ افزایش چشمگیری را تجربه کرد و در سال ۱۳۹۸ به ۳۱درصد رسید. نگاهی به تحولات نرخ فقر در ۵ سال گذشته نشان می‌دهد که این نرخ تنها در سال ۱۴۰۱ آن هم با اختلاف ۰,۳ واحد درصدی کمتر از ۳۰درصد بوده است. بر این اساس می‌توان گفت نرخ فقر در نرخ ۳۰درصد تثبیت شده و در حال حاضر یک‌سوم از جمعیت ایرانیان توانایی برآورده کردن نیازهای اساسی خود را ندارند. کارشناسان معتقدند مهم‌ترین ریشه‌های گسترش فقر در ایران نابسامانی اقتصاد کلان و تورم‌های بالا و مزمن است. به عبارت دیگر در یک دهه گذشته به دلیل تداوم وجود تورم‌های بالا، قدرت اقتصادی مردم هر سال به میزان چشمگیری کاهش یافته و موجب شده جمعیت فقرا افزایش یابد. درآمد سرانه کشور در سال‌های اخیر به دلیل رشد اقتصادی منفی به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته است، به‌طوری‌که درآمد سرانه در سال ۱۳۹۹ حدود ۶۶درصد درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ بوده است. با تغییر روند رشد اقتصادی از سال ۱۳۹۹، رشد درآمد سرانه نیز مثبت شد. بااین‌حال، پیش‌بینی می‌شود با کاهش رشد اقتصادی در سال‌های آینده، رشد درآمد سرانه نیز کاهش یابد. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد نرخ فقر در سال ۱۴۰۳همچنان در سطح فعلی نرخ فقر، یعنی حدود ۳۰درصد، باقی بماند.

فاصله فقرا با خط فقر

در بررسی آمارهای مربوط به فقر در یک جامعه شکاف نرخ فقر نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مرسوم‌ترین شاخصی که برای سنجش وضعیت فقرا به کار می‌رود که نشان‌دهنده شرایط درآمدی فقرا نسبت به نرخ فقر است. این شاخص که به اندازه‌گیری فاصله درآمدی فقرا تا خط فقر به دست می‌آید، توضیح می‌دهد که شانس خروج از بازه فقر برای فقرا افزایش یا کاهش یافته است.

در واقع هرچقدر شکاف نرخ فقر افزایش یابد، فقرا شانس کمتری برای رهایی از فقر خواهند داشت. به همین دلیل ممکن است در شرایطی که شاخص‌های اقتصاد کلان بهبود پیدا می‌کند، نرخ فقر به سرعت کاهش نیافته، اما کاهش شکاف فقر منجر به کاهش جمعیت فقرا در آینده شود. نگاهی به شاخص‌های فقر نشان می‌دهد شکاف فقر از ۰,۲۸ در سال ۱۴۰۱به رقم ۰,۲۷ در سال ۱۴۰۲ رسیده است. به عبارت دیگر در سال ۱۴۰۱ فقرا به طور متوسط حدود ۷۲ درصد خط فقر درآمد داشته‌اند اما در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۷۳ درصد رسیده است. در واقع با معیار خط فقر سال ۱۴۰۲ فقرا درآمد بیشتری نسبت به سال ۱۴۰۱ داشته‌اند، اما این افزایش درآمد جزئی بوده و برای خروج از فقر و کاهش نرخ فقر کافی نبوده است.

عدم تاثیر رشد نفتی بر کاهش فقر

تثبیت نرخ فقر و حتی افزایش حدود ۱۴دهم درصدی آن در شرایطی رخ داده که اقتصاد رشد داشته است. این مساله به‌خوبی نشان می‌دهد رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۲ فراگیر نبوده و دهک‌های پایین‌درآمدی از این رشد بهره‌مند نشده‌اند. یکی از دلایل مهم عدم فراگیری رشد اقتصادی در سال‌های گذشته سهم بالای نفت از آن است.

به زبان ساده می‌توان گفت که مواهب رشد اقتصادی مبتنی بر نفت تنها شامل گروه محدودی از جامعه می‌شود و از آن‌جا که عموما به موتور محرکی برای ایجاد اشتغال ایجاد نمی‌شود، نمی‌تواند از طریق افزایش کمیت و کیفیت شغل در جامعه زمینه‌های افزایش رفاه افراد جامعه و کاهش نرخ فقرا را فراهم کند. بر اساس آمارهای بانک مرکزی رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۲ با احتساب نفت معادل ۴,۵ درصد و بدون احتساب نفت ۳,۶ درصد بوده است.

کاهش فقر با ثبات اقتصادی

گسترش فقر در جامعه با تبعات اقتصادی و اجتماعی زیادی همراه است. به همین دلیل سیاستگذاران به دنبال آن هستند تا با اتخاذ سیاست‌هایی در مسیر کاهش جمعیت فقرا در جامعه گام بردارند. گزارش مذکور نیز بیان می کند که شرایط موجود فقر در کشور نیازمند سیاستگذاری هم در سطح کلان و هم در سطح حمایت اجتماعی است. در درجه اول بهبود شرایط اقتصاد کلان که نامطلوب بودن آن در سال‌های اخیر عامل اصلی افزایش و تثبیت نرخ فقر بوده است، ضروری است.

کاهش فقر نیازمند تحقق رشد اقتصادی مستمر و فراگیر و اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصادی با هدف کاهش تورم است. به‌خصوص آن‌که تورم نقش مهمی در افزایش نابرابری و شکاف فقر داشته و تداوم آن خروج از فقر را سخت کرده و کارآیی سیاست‌های توانمندسازی و حمایتی را کاهش می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت در مسیر کاهش نرخ فقر نمی‌توان تنها به سیاست‌های سطح کلان بسنده کرد و اعمال سیاست‌های توانمندسازی و حمایتی نیز ضروری است.

به بهانه انتصاب مدیران در دولت چهاردهم

انتخاب مدیران سازمان؛ از درون یا بیرون سازمان؟

دکتر علی حاجیانی



در دنیای پیچیده و در حال تغییر امروز مدیریت نقش حیاتی و اساسی را ایفا می نماید و مدیران و رهبران، روند حرکت از "وضع موجود" به سوی "وضع مطلوب" را هدایت می کنند و به عنوان موثرترین عضو منابع انسانی در ایجاد تحول و تغییر در سازمان محسوب می شوند. به همین دلیل همواره علوم مختلف به دنبال یافتن راه کاری برای تعیین بهترین مدیران و شاخص‌های آن‌ها می باشند.

ما در سازمان دو دسته مدیر داریم یا می‌توانیم داشته باشیم؛ یک، مدیرانی که از درون سازمان رشد کرده‌اند، سلسله مراتب را طی کرده و مدیر شده اند(مدیران درون سازمانی) و دوم، مدیرانی که از بیرون دعوت می شوند تا مستقیماً مسئولیت‌های مدیریتی را برعهده بگیرند(مدیران برون سازمانی یا عاریتی).

مدیران بیرونی با خودشان ایده‌های جدید می‌آورند، نسبت به گذشته سازمان تعصب کور ندارند، چیزهایی را می‌بینند که درونی‌ها به دلیل عادت‌زدگی و روزمرگی، آن‌ها را نمی‌بینند. می‌توانند ساختارشکنی کنند، نسبت به اعضای سازمان پیشداوری ندارند و بالاخره انگیزه زیادی دارند تا در همان هفته ها و ماه‌های اول، خودشان را اثبات کنند و در نقش منجی سازمان، مورد تحسین و تأیید قرار بگیرند.

علی رغم همه این امتیازات، تحقیقات زیادی انجام شده که حاکی از آن است که مدیران درون سازمانی، اگر درست انتخاب شوند، موفق‌تر از مدیران عاریتی خواهند بود. وقتی مدیران را از درون سازمان انتخاب می‌کنیم آن‌ها فرهنگ سازمان – مناسبات – ارتباطات و فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی سازمان و نقاط قوت و ضعف درونی سازمان را می‌شناسند. با اهداف و برنامه‌ها آشنا هستند و تا حدود زیادی به آن‌ها ملتزم و متعهد می‌باشند و از صفر شروع نمی‌کنند. نسبت به سازمان تعصب دارند و در قبال سرنوشت آن، احساس مسئولیت می‌کنند.

به سایر کارکنان پیام می‌دهند که اگر آن‌ها هم خوب کار کنند و شایسته باشند، می‌توانند رشد کنند، ارتقاء یابند و مدیر شوند، لذا خروج از خدمت کارکنان شایسته کاهش می‌یابد و روحیه کارکنان تقویت می شود.

این نوع انتصاب با چند ریسک هم مواجه است که باید مراقب آن‌ها بود مانند:

– مشکل بروز حسادت و رقابت‌های داخلی منفی و مشکل توجیه و حفظ روحیه کسانی که در رقابت‌های داخلی برای ارتقاء برنده نمی‌شوند.

– غیرمنعطف شدن سازمان از نظر فرهنگی و مقاومت آن در قبال تغییراتی که منشاء بیرونی دارند.

– محدودیت در ورود افکار و ایده های جدید.

سایرمحاسن انتخاب مدیران درون سازمانی:

–مدیران درون سازمانی دارای مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی بیشتری نسبت به مدیران خارجی می‌باشند. لذا با توجه به ضعف مدیران برون سازمانی در این سه نوع مهارت، آن‌ها هنگام انتصاب افراد زیر مجموعه دچار خطا می شوند.

–پرسنل سازمان، مدیران داخلی را راحت‌تر در میان خود خواهند پذیرفت. زیرا آنان قبلاً به عنوان عضوی از خانواده سازمان به رسمیت شناخته شده اند.

– با توجه به شناختی که مدیران داخلی از کارکنان دارند، این گونه کارمندان کمتر فرصت چاپلوسی و تملق‌گویی را پیدا می کنند.

–مدیران درون سازمانی قبل و بعد از مدیریت به عنوان عضو دائمی به سازمان تعلق دارند. لذا میزان تعهد آنان نسبت به طرح ها و برنامه‌های بلند مدت بیشتر است. در حالی که مدیران عاریتی از ابتدای ورود به سازمان می‌دانند که دیری نخواهد پایید که مدت ماموریت‌شان به پایان خواهد رسید. به همین دلیل مدیران عاریه‌ای غالباً به طرح و برنامه‌های بلندمدت دل نمی‌بندند و برنامه‌های مصلحتی، نمایشی و کوتاه‌مدت را در اولویت قرار می‌دهند.

– از آن‌جایی که تصمیم‌گیری جوهر شغل مدیریت است، هر مدیری از بدو ورود به یک سازمان به عنوان بالاترین مقام مسئول، ناگزیر از اتخاذ تصمیماتی است و اتخاذ هرگونه تصمیمی مستلزم داشتن اطلاعات کافی است که مدیران بیرونی به دلیل نداشتن اطلاعات کافی، از بدو ورود به سازمان تا مدتی، با مشکل روبرو خواهند شد.

– با توجه شناختی که نسبت به مدیران داخلی هست، انتخاب مدیران داخلی با ریسک کمتر و اطمینان بیشتری انجام می‌شود و برای شروع کار در مسئولیت‌های جدید خود، نیاز کمتری به آموزش و توجیه دارند.

نتیجه‌گیری: هرچند که نمی‌توان گفت کلیه مدیران برون سازمانی ناموفق و بالعکس تمام مدیران داخلی موفق می باشند، ولی بر اساس تحقیقات انجام شده و مطالب مطروحه، مدیران درون سازمانی نسبت به مدیران برون سازمانی در اموری همچون استفاده از تجارب، بهره‌گیری از مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی – تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های بلند مدت، اثربخشی و موفقیت بیشتری داشته و در میان کارکنان نیز از درجه پذیرش بالاتری برخوردار هستند و نسبت به تحقق اهداف سازمان تعهد و احساس مسئولیت بیشتری دارند.

لذا با عنایت به بند الف ماده ۵۴ قانون مدیریت خدمات کشوری که اشعار می‌دارد دستگاه‌های اجرایی می‌توانند حداکثر ۱۵٪ از پست‌های مدیریتی حرفه‌ای را از افراد شایسته (با رعایت تخصص و تجربه) خارج از دستگاه استفاده نمایند، پیشنهاد می گردد سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی از ترکیبی از مدیران درونی و بیرونی استفاده نمایند. البته با تأکید بر انتخاب مدیر ارشد از درون سازمان.

عاشقانه‌های شهراد میدری

آخرین باری که باهم قهوه خوردیم "او" نبود
میز بود و صندلی بود و کسی آن‌سو نبود

محوِ نم‌نم‌های پشتِ پنجره، غرقِ خیال
گوییِ اصلن با منِ دلتنگ رودررو نبود

وصفِ مویِ او و رویِ او فراتر از بهار
سنبلِ این‌گونه خرامان، گل چنین خوشبو نبود

"سعدیِ" شیراز در زیبایی‌اش بیتی نداشت
وصفِ او در شعرهایِ "خواجه" و "خواجو" نبود

مثلِ چشمش کهربا نه، یشم نه، فیروزه نه
این‌چنین گنجینه‌ای در معبدِ هندو نبود

بس که آن زن/بور بود آن شهد و آن شیرین لبی
شک ندارم جرعه‌ای در طاقتِ کندو نبود

از پری مهتاب‌تر، جذاب‌تر، نایاب‌تر
گرچه افسون بود و افسانه ولی جادو نبود

ماه بود و چشم‌هایش چون دو دریاچه شراب
مست چون مژگانِ نازش رقصِ بالِ قو نبود

"ماه" بود و "دلبر" و "آهو"یِ کرمانشاه عشق
گرچه نامش اختصاری "میم. دال/آهو" نبود

سایه روشن بود و با من بود و از من دورِ دور
آن‌قدرها دووووور که نزدیک‌تر از او نبود

کافه‌چی من را صدا زد، گفت وقتِ رفتن است
چشم وا کردم کسی جز "هیچ‌کس" آن‌سو نبود

این غزل جا مانده بود از عهدِ عشقی گم‌شده
قصر بود و شاهِ شاهان بود و شهبانو نبود...

مرضیه زاهدی

می‌گفت: باران؛ مرضیه! باران پناهم بود!
می‌گفت: تنها عاشقی کردن گناهم بود!
یک شب به ساحل آمدم، تنها؛ پس از گریه
دریا دلش تنگ از غمِ سردِ نگاهم بود!
او حرف زد، من گوش کردم، تا سحر یکسر
فردا شد و خورشید یارِ غارِ راهم بود
مثلِ زلیخا سوختم تا پیرسالی، ها!
یوسف‌ترین معشوق در اندوهِ چاهم بود!
می‌گفت: بانو مرضیه، تا کی بسوزم من؟!
– سوزِ دلِ دیوانه‌اش همسوزِ آهم بود –
او حرف زد راحت که من شعرش کنم، مَردُم!
حرفش گلوگیرِ تب و بغضِ تباهم بود
من شاعرِ بوشهرم آری، دخترِ بوشهر
راویِّ اندوه تو و دردِ تو خواهم بود!

نظام آموزشی؛ نه عادلانه و نه نوآورانه

۷ راهکار برای تولد دوباره مدرسه در ایران

دکتر مرتضی نظری



کشورهای نفتی حاشیه خلیج‌فارس تا مغز استخوان فهمیده‌اند که عیشِ دورهمی‌های نفتی رو به پایان استِ و پاشنه اقتصاد و حکمرانی روی دانش جدید، تحلیل، نوآوری و نوآفرینی می‌چرخد. کمترین دستاورد این فهم جدید، متمایل سازی درآمدهای نفتی به سمت سرمایه‌گذاری‌های عظیم برای خلق مزیت و تولید ثروت از طریق نوآوری است.

در این تغییرِ بزرگ در حال جریان، یک بخش بسیار کلیدی که زیرساخت فکری و انسانی تغییر را فراهم می‌سازد، آموزش و پرورش است.

در کمتر کشوری هدف و مأموریت مدرسه، به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه گره خورده. در کنار علل متعدد تداوم ابرچالش‌های آموزش و پرورش، آن چه در افول کیفیت نظام آموزشی ایران به ویژه در مدارس دولتی سهم بزرگی دارد، مداخله‌های سیاسی و غیرحرفه‌ایِ خارج از آموزش و پرورش است که ارمغانی به جز کنکوریزه کردن آموزش و تبدیل مدارس به میدان مسابقات حذفی برای ورود به دانشگاه در بر نداشته است.

انتشار آمار تلخ سهم ۷ درصدی مدارس دولتی از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ کنکور و رتبه پایین سواد خواندن و نوشتن در مقطع ابتدایی و دیگر ناتوانی‌های مهارتی، علاوه بر تنزل اعتبار و جایگاه مدرسه، ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های آموزشی را نشان می‌دهد که نه نوآورانه بوده و نه عادلانه.

به عنوان نمونه، ما در شرایطی با موازی کاری حدود ۲۰ نهاد و سازمان خارج از آموزش و پرورش با بودجه مصوب مواجهیم که ۴۰ درصد مدارس دچار فرسودگی شدید هستند. همچنین باید به استعدادسنجی‌های نادرست، تمرکزگرایی، رابطه آمرانه با معلم و مدرسه و به حاشیه رفتن مهارت‌های زندگی اشاره کرد که تصویر روشنی از وضعیت حکمرانی آموزشی نشان می‌دهد.

پرسش ملی: مدرسه چگونه می‌تواند دوباره متولد شود و برای ذینفعانش یعنی کودکان و نوجوانان، جذاب، نوآور و عادلانه‌تر ظاهر شود؟

برای دستیابی به تصویر درست‌تری از این مسأله، باید به هفت نکته و پرسش مهم اندیشید:

یکم: معلمی به مثابه یک تخصص

تلقی ما از معلمی و مربی‌گری، یک امر تخصصی و حرفه‌ای است یا یک بنگاه کاریابی و موضوع دم دستی که می‌توان به راحتی در آن استخدام و مشغول شد؟ جذب، استخدام و تأمین مالی آموزش و پرورش چگونه باشد که معلم با انگیزه دلسرد نشود و به جز ارتقای کیفی وَ حرفه‌ای خود، هیچ مشغله دیگری نداشته نباشد و فرزند خانواده کم‌برخوردار، از فرصت‌های اجتماعی ناشی از تحصیل در مدارس دولتی بازنمانند؟



دوم: یادگیری برای خودیابی

مدرسه فضایی برای شبیه بزرگسالان شدن بچه‌هاست یا دوره‌ای برای کَشف و ابراز خودَ؟ تربیت، بارآوردن و شکل دادَن به کودک است مثل کاری که دست ما با گِل و خمیر می‌کند یا مجال و فرصتی است برایَ خودیابی و شکوفایی فرزندان ما به دست خودشان؟

سوم: آموزش بر مدار شوق و انتخاب

طراحی برنامه و محتوای آموزشی، بر مدار شوق و انتخاب و استعداد کودکان و نوجوانان باشد یا تکلیفی اجباری برای گذراندن درس‌هایی از پیشِ فرض شده بر اساس ترجیحات نسل قبل؟ اصلاً آموزش، یک حق و انتخاب است یا یک اجبار قانونی؟

چهارم: از رقابت‌گرایی به مهارت‌ورزی

برای ساختن جامعه‌ای سالم و توسعه یافته، تربیت شهروند مفید بهتر است یا سرباز مطیع؟ تربیت حقوق‌بگیران آینده یا مردان و زنان کارآفرین و توانمند؟ مأموریت مدرسه، کسب مهارت‌های زندگی، خلاقیت و نوآوری باشد یا ۱۲ سال رقابت برای نمره و برتری‌جویی؟

پنجم: عبور از انواع جداسازی‌ها

مدرسه، فعالیت شورانگیزی بر پایه به رسمیت شناختن دنیای متنوع و متفاوت کودکان و نوجوانان باشد یا برنامه مهندسی شده‌ای بر مبنای غربال و جداسازی بچه‌ها بر پایه طبقه اقتصادی، بهره هوشی و نخبه‌گرایی؟

ششم: توازن مهارت نرم و سخت

زندگی و کسب‌وکار در جهان جدید به دو دسته مهارت نیاز دارد. مهارت نرم و مهارت سخت. با مهارت سخت می‌توان شروع کرد اما بدون مهارت نرم نمی‌توان ادامه داد. آیا در مدرسه توان حل مسأله، تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر، تاب‌آوری و تحلیل شرایط، کارآفرینی و خلاقیت و فن بیان، مذاکره و کار تیمی به اندازه دروس دیگر توجه می‌شود؟

هفتم: مدیریت بر اساس شایستگی

از دبیری تا وزیری، از کلاس تا ستاد و تمام سطوح خُرد و کلان آموزش و پرورش بر مَبنای شایستگی و اصول حرفه‌ای باشد یا بر اساس انتصاب‌های سفارشی و مداخله‌های غیرحرفه‌ای؟

نتیجه پایانی

سطح دسترسی نسل جدید و خانواده‌ها به دانش و مهارت‌های نو افزایش یافته و مخاطبان نوجوان مدرسه به بزرگترها نشان داده‌اند منتظر تغییر سبک و محتوای مدرسه نمی‌مانند و راه‌های جایگزین را پیدا می‌کنند.

اگر آموزش و پرورش با تغییرات جدید به ویژه با محیط کسب و کارهای نو، خود را «منعطف و منطبق» نسازد، حذف می‌شود.

انعطاف و انطباق، چاره نجات مدارس از چرخه ناکارآمدی است./ عصر ایران

گردشگری خلاق

منصور حاجی پور – مدرس گردشگری تشریفات ومذاکره



گردشگری خلاق پدیده‌ای نوظهور در عرصه گردشگری فرهنگی است که می‌تواند تاثیرات مطلوبی در افزایش درآمد و توسعه پایدار در کشورمان ایجاد نماید.
«گردشگری خلاق» به دلایل مختلف به عنوان گزینه‌ی کلیدی توسعه شناخته می‌شود و می‌تواند به اهدافی مشخص خدمت کند. «ریچاردز» و «ریموند». گردشگری خلاق را به عنوان یادگیری یک مهارت که بخشی از فرهنگ یک کشور یا اجتماع در حال بازدید در تعطیلات است، تعریف می‌کند. گردشگران خلاق، ظرفیت خلاقیت خود را توسعه می‌دهند، از طریق مشارکت غیر رسمی به کارگاه‌های تعاملی به مردم محلی نزدیک می‌شوند و تجاربی را می‌آموزند که فرهنگ مقصد سفر برای تعطیلات آن ها ترسیم می‌کند. «ریموند» همچنین نشان داد که کارگاه‌های تعاملی که در گروه‌های کوچک برگزار می‌شوند، به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهند تا خلاقیت خود را در حالی که به مردم محلی نزدیک می‌شوند کشف کنند. این کارگاه ها معمولاً ارزش‌های مقصد شامل هنر، فرهنگ، سلیقه و طبیعت را در بر می‌گیرد.
کارشناسان «گردشگری خلاق» را نسل جدید گردشگری بعد از نسل اول، یعنی همان «گردشگری ساحل» (سفر اوقات فراغت و برای استراحت) و نسل دوم یا گردشگری فرهنگی (متمایل به فرهنگ و موزه‌ها) قلمداد می‌کنند. «گردشگری خلاق» با شعار «موزه‌های کمتر میدان‌های بیشتر» بر انجام فعالیت‌های تجربی وتعامل عمیق‌تر با زندگی واقعی فرهنگی در شهرها تمرکز می‌کند. این تعریف اصطلاح مشهور مشارکتی که در ادبیات و ابزارهای پژوهش اجتماعی بسیار رایج است را به ذهن متبادر می‌نماید. در«گردشگری خلاق »، گردشگر به تعامل بیشتر آموزشی، احساسی، اجتماعی و همچنین مشارکت با مکان فرهنگ زندگی مردم تشویق می‌شود. در نسل سوم گردشگری، گردشگر شبیه یک شهروند رفتار می‌کند. همچنین در این نوع از گردشگری نقش مدیران در شناخت انواع خلاقیت موجود در شهر به عنوان یک منبع و فرصت برای جذب گردشگران مهم تلقی می‌شود.
بنابراین،«گردشگری خلاق» مبتنی بر فعالیت‌های تجربی وتعامل عمیق با سبک زندگی مقصد است. موضوع جالب این است که اتفاقاً تعریف«میراث ناملموس» شامل سنت های شفاهی، هنرهای نمایشی، آیین‌ها و رویدادها، دانش و تجربیات مرتبط با طبیعت، جهان و صنایع دستی است که با مضامین «گردشگری خلاق» همبستگی بسیاری دارد. در واقع، با توجه به«میراث ناملموس» یک جامعه است که می‌توان یک گردشگر را به مثابه یک شهروند قلمداد کرد و واژه‌ی گردشگر-شهروند را تحریف نمود. از طرفی پروژه‌ی ایجاد «شبکه شهرهای خلاق» با موضوعات ادبیات، فیلم، موسیقی، صنایع دستی، هنرهای مردمی و خوراک یک جامعه نه تنها «میراث ناملموس» بیگانه نیست بلکه در همان راستاست. بنابراین ما در نسل سوم گردشگری با گردشگرانی مواجه خواهیم بود که از مرز دیدار صرف آثار تاریخی و طبیعی فراتر رفته‌اند و با حضور در بطن جامعه مقصد به درک عمیق‌تری از آن نائل خواهند شد. گردشگری خلاق به دلیل رابطه دو طرفه‌ای که بین تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌گذارد هم برای گردشگر و هم برای ارائه کنندگان محلی یک عامل افزایش سرمایه اجتماعی و عقلایی است. گردشگری خلاق از این طریق می تواند راهی برای گسترش سرمایه اجتماعی باشد.
بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که گردشگری خلاق که شکلی توسعه‌یافته از گردشگری فرهنگی است از طریق رشد جامعه‌ی شبکه ای می تواند به گسترش کارآفرینی منجر شود. طبق باور صاحب نظران یکی از پیش نیازهای توسعه ی هر جامعه (در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی)، سرمایه اجتماعی و در راس آن کارآفرینی است لذا یکی از راه‌های دستیابی به توسعه در یک جامعه، گسترش کارآفرینی از طریق وسعت بخشیدن به گردشگری خلاق است.

منبع: کتاب: گردشگری خلاق، نویسنده گان: بابایی همتی، روشن و موسوی، نرجس.ناشر:جوان موفق، قم.



دریچه‌ای رو به تحقیقات روابط‌عمومی

عبدالحمید بنچاری



روابط‌عمومی در عصر حاضر معنایی پیچیده و چندوجهی یافته است و در بسترهای فرهنگی و حرفه‌ای مختلف به شکلی متنوع ایفای نقش می‌کند. این صنعت که با حوزه‌های اقتصادی و سیاسی پیوندی دیرین و عمیق دارد، به ابزاری قدرتمند برای پیشبرد منافع خاص تبدیل شده و در عین حال، زبان ارتباطات را در جوامع جهانی دگرگون کرده است. تأثیر روابط‌عمومی چنان فراگیر است که اکنون بسیاری از تعاملات ما، آگاهانه یا ناآگاهانه، به «زبان روابط‌عمومی» انجام می‌شود. اما آن‌چه این حوزه را پیچیده‌تر می‌کند، وجود روابط و تعاملات افراد ذی‌نفوذ و ناآشنا در پس ظاهر ارتباطات عمومی است.
مولونی و مک‌گرث (۲۰۱۹) بر این باورند که جوهره روابط‌عمومی بر اقناع استوار است؛ ویژگی‌ای که غالباً در تعاریف متعارف نادیده گرفته می‌شود. آن‌ها توصیه می‌کنند که به‌جای پذیرش تعریف‌های سنتی، بهتر است روابط‌عمومی را بر اساس اهداف واقعی‌اش، یعنی پیشبرد منافع کارفرمایان بشناسیم. این نگاه رهنمودی است که در ورای تبلیغات و شعارهای رایج، سازوکار واقعی این صنعت را بیشتر درک کنیم.
کمپین‌های روابط‌عمومی اغلب از مرزهای نهادها فراتر می‌روند و آثار فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای بر جای می‌گذارند. نمونه بارز آن، فعالیت‌های گسترده در حمایت از صنعت سوخت‌های فسیلی به عاملی برای سردرگمی عموم جامعه در برابر تغییرات آب‌وهوایی و همچنین کاهش اعتماد به دانش اقلیم تبدیل شده است. در این میان، «جیم هاگن» از مدیران برجسته حوزه روابط‌عمومی در موسسه Desmog به‌خوبی تأثیر این صنعت را بر تضعیف علوم مربوط به تغییرات اقلیمی درک کرد و در سال ۲۰۰۶ پلتفرمی خبری را راه‌اندازی نمود. این پلتفرم که با هدف افشای کارزارهای اطلاعات نادرست شکل گرفت، نقش مهمی را در برجسته‌سازی بحران‌های زیست‌محیطی ایفا کرد.
از آن‌جا که انتقادات بسیاری در این حوزه وجود دارد، روابط‌عمومی همواره با دیده تردید و بدبینی نگریسته می‌شود. رسانه‌ها عباراتی مانند «چرخش تبلیغاتی» و «هیاهوی روابط‌عمومی» برای توصیف فعالیت‌های این حوزه به‌کار می‌برند و بر جنبه‌هایی از آن انگشت می‌گذارند که ظاهراً بیشتر به دست‌کاری افکار عمومی شباهت دارد تا ارتباطات صادقانه. با این وجود صنعت روابط‌عمومی به رشد روزافزون خود ادامه می‌دهد و آن‌طور که از پیش‌بینی‌ها بر می‌آید ارزش بازار آن تا سال ۲۰۲۷ حدود ۵ درصد افزایش خواهد یافت. در عین حال، این صنعت هنوز با چالش‌هایی در زمینه تنوع فعالیت و عدالت اجتماعی روبه‌رو است. مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از موسسات روابط‌عمومی، با وجود تأکید بر تنوع فعالیت، در عمل به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی ادامه می‌دهند. در واقع رویکردهایی اجرایی که به ظاهر به‌دنبال ایجاد تنوع هستند، غالباً ابزاری هستند که برای حفظ وضع موجود به کار می‌روند.
با ظهور فناوری‌های نوین، چالش‌های جدیدی نیز پیش روی این صنعت قرار گرفته است. در رویدادی به نام «هوش مصنوعی برای جهانی خوب» که توسط سازمان ملل در سال ۲۰۲۳ در شهر ژنو برگزار شد، ربات‌های انسان‌نما به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند. این رویداد، اگرچه در نگاه اول هیجان‌انگیز به نظر می‌رسید؛ اما واقعیت این است که محدودیت‌های فناوری همچنان مانع بزرگی برای جایگزینی کامل ارتباطات انسانی در روابط‌عمومی است. روابط‌عمومی با تمام پیچیدگی‌ها و تناقض‌های درونی‌اش، همچنان به‌عنوان ابزاری قدرتمند در شکل‌دهی افکار عمومی و هدایت جریان‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کند. درک این صنعت نیازمند پذیرش این واقعیت است که بسیاری از جنبه‌های آن در پس لایه‌های پنهانی از منافع و قدرت نهفته‌اند. نقد سازنده و بازاندیشی در این حوزه می‌تواند راهگشا باشد و مسیرهای تازه‌ای را برای بهبود عملکرد آن در آینده هموار کند. این صنعت، اگرچه گاه با انتقادات و چالش‌های جدی مواجه می‌شود، اما همچنان ظرفیت آن را دارد که با پذیرش تغییرات و تطبیق با شرایط نوین، جایگاه خود را حفظ کند و به‌سوی آینده‌ای روشن‌تر حرکت کند.

آقای نماینده، بهتر است با عقلانیت و منطق به حل مشکلات بپردازید

ولید صفری



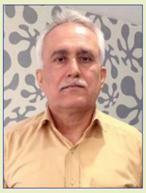
جناب آقای رضایی، نماینده محترم مردم دشتستان
با کمال احترام، لازم است به نکاتی اساسی در خصوص رویکردهای اخیر شما اشاره کنم. به نظر می‌رسد که با دخالت‌های مکرر در امور دولت، در حال ایجاد موانع و چالش‌هایی برای پیشبرد برنامه‌های دولت منتخب مردم هستید. این دولت نه تنها ادامه‌دهنده‌ی مسیر دولت قبل نیست، بلکه در تلاش است تا با وفاق ملی و همدلی، به حل مشکلات اساسی کشور بپردازد.
متأسفانه، رویکردهای شما، مشابه برخی از چهره‌های سیاسی که به دنبال ایجاد اختلاف هستند، به جای آن‌که به مطالبات به حق و گمشده مردم حوزه انتخابیه‌تان بپردازد، تنها بر تنش‌ها و بحران‌ها می‌افزاید. به‌نظر می‌رسد که با سناریوهای جدید، هدف شما سقوط و یا ناکامی این دولت است، در حالی که باید به یاد داشته باشید که این نوع رفتارها نه تنها به نفع مردم نیست، بلکه به تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود.
رئیس‌جمهور به درستی بر لزوم وفاق ملی تأکید کرده‌اند، اما شما به عنوان یک نماینده، با رفتارهای خود، به جای همکاری و همیاری، در حال ایجاد موانع و چالش‌هایی هستید که می‌تواند به نفع هیچ‌کس نباشد. به جای ایجاد تنش و اختلاف، بهتر است با عقلانیت و منطق به حل مشکلات بپردازید و از دشمنی با دولت منتخب مردم پرهیز کنید.
امیدوارم که در این شرایط حساس، به جای تندروی و تصمیمات غلط، به فکر منافع مردم و کشور باشید و در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه گام بردارید.

افزایش ۵۲ درصدی صادرات از گمرک گناوه به کشورهای حوزه خلیج فارس

سرپرست اداره کل گمرک گناوه گفت: در نیمه نخست سال جاری هفت هزار و ۲۶۶ تن کالای صادراتی به ارزش یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار از گمرک گناوه به کشورهای حوزه خلیج‌فارس صادر شده است.
ایمان زند اظهار کرد: در سال گذشته بیش از ۹ هزار و ۲۳۹ تن کالا طی ۳۳ فقره اظهارنامه به ارزش بیش از سه میلیون و ۶۰۰ هزار دلار از گمرک گناوه به خارج از کشور صادر شده است.
سرپرست اداره کل گمرک گناوه افزود: در نیمه نخست سال جاری حدود هفت هزار و ۲۶۶ تن کالای صادراتی به ارزش یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار، از گمرک گناوه به کشورهای حوزه خلیج‌فارس صادر شده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی ۱۹ درصد و از نظر دلاری ۵۲ درصد افزایش نشان می‌دهد.
وی گفت: شرکای عمده صادراتی کشورهای قطر، امارت، کویت و بیشترین کالاهای صادراتی شیشه و آینه ساختمانی، اشیا سفالی، آخال و حبوبات بوده است.

در مقابل بسته شدن پروژه راه آهن بوشهر - شیراز، غیرتمندانه مقاومت کنید

دکتر امان الله شجاعی



قابل توجه آقایان؛ ـاستاندار محترم بوشهر، -معاون محترم هماهنگی امور عمرانی استانداری، -مدیرکل محترم امور اقتصادی و دارایی، -روسای محترم سازمان برنامه و بودجه استان‌های بوشهر و فارس
موضوع: راه آهن بوشهر - شیراز
سلام علیکم، بر اساس اخبار مندرج در فضای مجازی، قرار است پرونده راه آهن بوشهر-شیراز بسته شود.
خواهشمند است در صورت صحت ماجرا، به طور شفاف به مردم اعلام فرمایید که علت این موضوع چیست، و شما مسوولین محترم، چه راهکاری برای حل این مشکل ارائه داده و یا به موقع و به صورت موثر ارائه خواهید داد؟
لازم به ذکر است که در بحثی تند و مفصل که حدود ۱۲ سال پیش (مندرج در هفته نامه ی خلیج فارس) بین اینجانب و معاون محترم وقت استانداری در همین زمینه رخ داد، پیش‌بینی کرده بودم که انجام این مسیر با تنگناهای زیادی اعم از مدیریتی و مالی روبرو خواهد شد و شاید انجام آن به بیش از ده سال (تا دوسال پیش) دیگر هم طول بکشد.
حال پس از حدود ۱۲ سال از آن بحث‌ها، و عدم اتمام این پروژه، تازه سخن از تعطیلی آن است.
شایان ذکر است که آن موقع برای انجام این پروژه، خرد بیشتری لازم بود و اکنون به مراتب بیشتر از آن غیرت و مقاومت در برابر این رفتار نامناسب، لازم است.
تقاضای پاسخ به موقع آن مدیران، برای تنویر افکار عمومی را داریم.

نماینده شیراز و زرقان در مجلس :

زمزمه های خروج خط راه آهن شیراز- بوشهر از اولویت سازمان برنامه‌ریزی

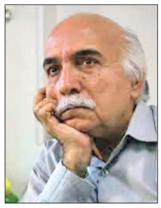
نماینده شیراز و زرقان در مجلس گفت: زمزمه هایی مبنی بر این‌که خط راه آهن شیراز- بوشهر از اولویت سازمان برنامه ریزی خارج شده است، شنیده می شود.
خط راه آهن شیراز- بوشهر مشکلاتی را برای استان ایجاد می کند، افزود: ایجاد خط راه آهن شیراز- بوشهر از مصوبات مورد تائید رهبری است و سازمان برنامه ریزی به هیچ وجه نباید این اقدام را انجام دهد.
نائب رئیس کمیسیون اقتصادی در ادامه با بیان این‌که از استاندار فارس تقاضا داریم که این موضوع را در اولویت کاری خود قرار دهد، تصریح کرد: با توجه به تکالیف در برنامه هفتم توسعه نیاز است تا چند طرح پیشران برای استان فارس به سرعت عملیاتی شود که خط ریلی غرب به شرق و از گلگهر به شیراز و شیراز به اهواز، استارت خطوط ریلی دیگر مانند شیراز -اهواز، انجام مطالعات خط پر سرعت شیراز-اصفهان، اتصال شیراز به مراکز استان ها، آزاد راه شیراز- بوشهر از جمله مواردی است که باید مورد توجه استاندار قرار بگیرد.
وی با بیان این‌که موضوع کمربندی و جاده هایی که فارس را به دیگر استان ها متصل می کند می‌تواند مشکلات فارس را در بسیاری از موضوعات حل کند، ادامه داد: موضوع انتقال آب از خلیج فارس به فارس، خط انتقال آب از سد تنگ سرخ بشار و تکمیل شبکه های داخلی شیراز و جنوبی و شرقی و تکمیل پروژه های فرودگاهی و بین المللی از دیگر موضوعات مهم است./ ایلنا



شرحی پیرامون خودگردانی شهر اوز فارس از لحاظ مالی و معنوی توسط خیرین آن دیار

میان ماه من تا ماه گردون

حسین حشمتی



استاد آموزگار رئیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان که اخیرا بازدیدی از شهرستان (اوز، بروزن عوض) داشته، یافته‌های خویش را در مقاله‌ای به رشته تحریر درآورده و ماحصل کلامش این که اهالی سخت‌کوش این شهرستان خودکفای فارس در زمینه‌های عمران و آبادانی و شناساندن فرهنگ شهرشان تنها به داشته‌های مادی و معنوی خویش متکی هستند ولاغیر...

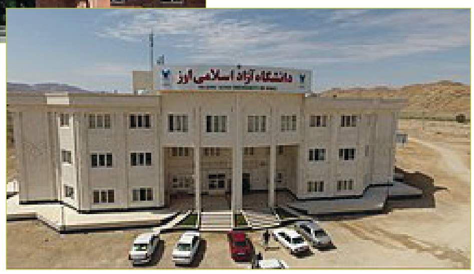
به جاست اگر در همین مجال پرانتزی باز کرده و بنویسم که بوشهری‌ها علی‌رغم داشتن کم‌ترین شاخص فلاکت (۲/۳۹) درصد در بهار ۱۴۰۳، وجود هفت بندر مهم و چاه مشترک گازی گنبد شمالی و از همه مهمتر تاسیسات گازی، نفتی و پتروشیمی عسلویه، و علاوه بر این‌ها رواج حرفه کشاورزی در بوشکان به‌خصوص (نخلداری و تولید خرما در آبپخش) صنعت شیلات که از قدیم الایام هزاران نفر صیاد معیشت عائله تحت تکفل خود را از این ممر تامین می‌نمایند اما دریغ و افسوس که بوشهری‌ها قدر سرزمین مادری خویش را نمی‌دانند!

دلائلش مشخص است و نیازی به نوشتن ندارد.

استاد آموزگار در بخش میانی مقاله نوشته‌اند اوز، تا تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۸در تقسیمات کشوری بخش بود و در این تاریخ با تصویب نامه هیئت وزیران از شهرستان لارستان منفک و به شهرستان ارتقا یافت، نکته مهم این است که در شهرستان اوز ساختمانی عمومی که به اهتمام مردم ساخته نشده باشد پیدا نمی‌شود، پایه و اساس چنین روحیه مشارکتی هرچند برخاسته از نیکوکاری و امر خیر است که عمدتا با توجه به تمکن بازرگانان اوزی مقیم کشورهای دیگر منابع مورد نیاز را در اختیار شهر قرار می‌دهد، ولی منحصر به آن نمانده و در ادامه مسیر اشکال نوینی یافته است به نحوی که امروزه عامل دوام و قوام شهر، مشارکت عمومی در ساختن زیربناهای اداری، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و بالاخره فرهنگی برای زندگی بهتر مردم است، امر خیر، در ابتدا رفع نیازهای ملموس همچون احداث گرمابه و بنا کردن آب‌انبارها، قنوات و انواع سازه‌های مرتبط به حفظ و مراقبت از آب و مصرف بهینه آن انگیزه خیرین بود، بعدها آموزش و بهداشت نیز به این دایره افزوده شدند تا آن‌جا که هنوز هم احداث آب‌انبارها، بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه در دستور کار است مثلا بیمارستان عبدالحمید امیدوار با ۸۵ تخت ثابت و ۵۴ تخت فعال با کمک اولیه حاج محمد رافعی آغاز به‌کار کرد و به‌مرور توسعه‌یافته و به ادامه خدمات درمانی و پزشکی به شهروندان ادامه می‌دهد و بیمارستان یک‌صد تختخوابی توسط یوسف راه‌پیما در دست ساخت است.

دانشگاه پیام نور با قریب ۷۰۰ دانشجو و دانشگاه آزاد اسلامی با حدود ۳۰۰ دانشجو توسط نیکوکار اوزی که نخواسته نامش فاش شود تاسیس و فضای آموزشی مناسبی برای شهر ایجاد کرده‌اند، علاوه بر این‌ها، مشارکت‌های غیرمالی اهالی شهر است که به‌عنوان نمونه، عبدالعزیز خضری از سال۱۳۸۶ مسئولیت دانشگاه را از زمان راه اندازی به‌بعد بر عهده داشته است، دانشگاه آزاد اسلامی اوز، شعبه‌هایی نیز در دبی و قشم دارد، دانشگاه پیام نور نیز در شرایط نسبتا مشابهی قرار داشته است، احداث آن بر روی زمین‌های اهدایی حاج فاروق عبدالرحیم ضیایی ابتدا توسط رئیس هیئت امنا شیخ عبدالقادر فقیهی آغاز و در ادامه به اهتمام سایر نیکوکاران به‌ویژه منصور فقیهی‌نژاد تکمیل گردید، اصولا در اوز فعالیت داوطلبانه چشم گیر است، چه بسیار متخصصانی که دانش خود را به رایگان عرضه کرده‌اند، در سال‌های اخیر گرایش به کتاب و کتابخوانی، امر خیر و کار نیک را به وضوح به سمت کتاب جلب کرده است به‌خصوص ترویج کتاب و کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان چهره بدیع و





تازه‌ای از اوز را به نمایش گذاشته است و از این روست که در شهر ۴۰ هزار نفری اوز ۳ موسسه آموزش عالی و یک مدرسه علوم دینی به علاوه هنرستان پسرانه رافعی در حوزه‌های فنی و حرفه‌ای و چندین هنرستان دخترانه در رشته‌های گرافیک و معماری، دانش آموختگانی را روانه بازار کار کرده است، تعداد نویسندگان اوز نیز قابل‌توجه است در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و موزه مردم‌شناسی اوز که (به هزینه خیرین و کمک‌های اهالی شهر ساخته و به بهره‌برداری رسیده است) نام حدود یکصد نویسنده به ثبت رسیده است و درنهایت این که در شهرستان اوز هفت کتابخانه عمومی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، موزه مردم‌شناسی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به همت و با هزینه خیرین اوزی ساخته شده و به‌بهره‌برداری رسیده است، اگرچه قصد مقایسه در میان نیست اما در پایان، بازنشر بخش‌هایی از مقاله به شرحی که ذکرش رفت این سئوال بنیادین برایم پیش آورده است که آیا در میان بوشهریان اصیل و توانمند از دیدگاه مالی و علمی چنین بخشندگانی وجود داشته یا دارد که باانگیزه رونق و آبادانی زادگاه خویش از مکنت و تخصص خود برای دیارش هزینه کرده باشد؟

۳۳ درصد زنان بالای ۵۰ سال بوشهری مبتلا به پوکی استخوان هستند

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد ۳۳درصد زنان و ۲۰ درصد مردان بالای ۵۰ سال این استان مبتلا به پوکی استخوان هستند.

قاسم برجویی فرد در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: استخوان یک بافت زنده است که از سلول‌هایی استخوان ساز و تخریب کننده استخوان تشکیل شده است.

وی افزود: در طول عمر یک انسان ساخت و تخریب بافت استخوانی ادامه دارد و این ساخت و تخریب متوازن انجام می شود اما زمانی که متوازن نباشد بیماری پوکی استخوان شروع می شود.

رئیس مرکز بهداشت استان بوشهر یادآور شد: نام دیگر پوکی استخوان بیماری خاموش است زیرا تا بروز شکستگی علامتی ندارد.

برجویی فرد تصریح کرد: با افزایش سن و تغییرات بدن تخریب و مرگ سلول های استخوانی افزایش یافته و میزان توده استخوانی کاهش می یابد که تا سن ۷۰ سالگی، یک فرد بخش قابل توجهی از بافت استخوانی خود را از دست می دهد.

وی ادامه داد: باوجود این‌که پوکی استخوان آسیب‌ها و هزینه‌های زیادی در زندگی فرد دارد اما می‌توان با چند اقدام ساده از این بیماری پیشگیری کرد.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: یکی از راه‌های مهم پیشگیری از پوکی استخوان استفاده از گوشت قرمز، ماهی، مرغ، میگو، تخم مرغ، آجیل و لبنیات در برنامه روزانه غذایی است.

برجویی فرد یادآور شد: این مواد غذایی حاوی مقادیر زیادی کلسیم و پروتئین هستند که نقش کلیدی در استحکام استخوان‌ها و عضلات دارد.

وی اضافه کرد: این درحالی است که مصرف الکل باعث اختلال در جذب کلسیم شده و احتمال شکستگی را افزایش می دهد.

رئیس مرکز بهداشت استان بوشهر گفت: ماهی‌های چرب و تخم مرغ حاوی مقادیر زیادی ویتامین دی هستند که نقش موثری در حفظ تعادل و جلوگیری از زمین خوردن افراد دارد.

برجویی فرد با بیان این‌که نقش ورزش و فعالیت‌های بدنی در تمام ابعاد زندگی بر کسی پوشیده نیست افزود: برای سلامتی استخوان‌ها با هر قدم یک گام به سوی استخوان قوی‌تر برداشته می‌شود.

وی یادآور شد: ورزش‌هایی مانند شنا، بشین پاشو، بالا رفتن از پله و به طور کلی ورزش‌هایی که دارای حرکات تحمل وزن باشند برای پیشگیری از پوکی استخوان مفید هستند.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: شکستگی لگن در افراد سیگاری ۲ برابر افراد عادی است برهمین اساس برای کمک به سلامتی نباید از هیچ مواد دخانی استفاده کرد.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و فوتبال تهران و بوشهر(۱۰)

با اصرار برای خدمت از تهران به بوشهر آمدم



حکایت آمدن من برای خدمت سربازی به بوشهر هم عجیب است و شاید برای خوانندگان نسیم جنوب جالب باشد.
تقریبا در نیمه دوم سال ۱۳۵۲ بودیم که در پادگان عباس‌آباد که معروف به هتل عباس‌آباد بود تصمیم گرفتیم با عده ای از ورزشکاران که در رشته‌های مختلف مهارت داشتند و فعال بودند به بوشهر سفر کنیم.
در هتل عباس آباد دو نهر آب که شبانه‌روز آب زلال جاری بود و قابل استفاده و در کنار نهرها مملو از درختان سبز و چنارهای سر به فلک کشیده و آب و هوای مطبوع و فضای بسیار بزرگ که شاید برای طی کردن آن از درب ورودی و اصلی خیابان عباس‌آباد تا انتهای پادگان نیم‌ساعت راه بود.
میدان صبحگاه و آموزش نظامی بزرگ‌تر از یک زمین فوتبال، بعد از گذراندن کلاس‌های شفاهی و دوره‌های عملی بهداشت که بهترین استادها و سرکار خانم‌هایی از پزشکان ماهر و کمک پزشکانی برای تعلیم کمک‌های نخستین و تزریقات و حتی آمپول زدن و آموزش عملی و دایر شدن امتحانات عملی و کتبی، و تأیید و نمره قبولی جهت مطمئن شدن فراگیری سپاهیان بهداشت و در نهایت تأثیر آن نمرات در درجه و انتخاب محل، خیلی جدی همگی در امتحانات با مطالعات و خواندن جزوه و درس‌های عملی خود را فرا می‌گرفتیم تا پس از میدان تیر و تمرین با تفنگ‌ام یک و یکی دو تا دیگه اسلحه که هیچگاه دوست نداشتم اسمش را هم یاد بگیرم مثه ژ۳ و... خلاصه مطلب روز اعزام مشخص شد و با مرخصی ۴۸ ساعتی، قرار شد بر اساس انتخاب خود و لحاظ کردن نمرات ورزش و تیراندازی و درس بهداشت به محل معینی که در سطح ایران از اطراف تهران ساوه گرفته تا قم و قزوین و کرج و شمال و بندرعباس و بندر بوشهر و کرمان و اصفهان و شیراز اعزام شویم، خوشبختانه من و واهیک میناییان که بخاطر اخلاق و ورزیده بودن و نمره ۲۰ از نظم وانضباط خود که مورد علاقه فرمانده گردان و حتی پادگان بود با درجه گروهبان دوم، قادر بودیم بهترین انتخاب‌ها را داشته باشیم ولی من بخاطر اتفاق تلخی که درمسابقات دانشگاه‌ها در تبریز مقابل دانشگاه ملی رخ داده بود و شدیدا از ناحیه کمر و پای چپ آسیب دیده و مصدوم شدم، می‌خواستم هرچه بیشتر از تهران دور باشم، وقتی روی تخته که نقشه ایران را کشیده بودند و محل‌های اعزام را با تعداد نفرات نیاز سپاه بهداشت درج شده بود، من متوجه نقطه‌ای شدم که بوشهر نام داشت.
من به اعزام‌کنندگان که در حضور سرهنگ جهانی و سرهنگ میرفخرایی و سرهنگ سادات و سرهنگ آروان از کردهای فهیم و با شخصیت و دوست‌داشتنی بود و مرا بخاطر فوتبالم خوب می‌شناخت، گفتم نام فرهاد امینی را جلوی بوشهر بنویسید که خدا را گواه می‌گیرم حقیقتی انکارناپذیر است یهویی چند نفر از نام بردگان به ویژه سادات و جهانی و آروان مخالفت کردند و اجازه ندادند و گفتن نه نمیشه پسر چطور با این همه امتیاز و نمره و درجه می‌خواهی به بوشهر بروی هنوز چند جا به محل زندگیت نزدیک‌ و خالیست.
شاید سخت باشد و باورش بسیار غیرقابل قبول، سالن تحت انتخاب شخص من که از حمایت همگان برخوردار بودم یک‌ربع به تأخیر افتاد و من با کمال احترام نظامی و بعد از رخصت، من درباره داستان زندگی ورزشیم و دانشگاه واخلاق پدر و مادرم و دلیل فرار از صحنه و دور بودن از مرکز و طاقت نداشتن دوری از فوتبال و شکست در فینال بازی‌ها گفتم و توضیح دادم و ازشان خواهش کردم برایم دعا کنید و بستر را فراهم تا من سرنوشتم را در بوشهر دنبال کنم، ناگهان سروان سادات بعد از پایان حرف‌هایم که چون یک سخنرانی طول کشید و خیلی از حضار و برگزارکنندگان تحت تأثیر خواست دلم قرار گرفته بودند و تا حدودی احساسی، چون خودم شده بودند، نزد من آمد و یک احترام شدید نظامی به سرهنگ میرفخرایی و بقیه همکاران و هم‌ردیفان خود کرد و دستی به شانه من و آن‌قدر دلسوزانه و پدرانه برایم دعا کرد و گفت، فرزندم برو دست خدا به همراهت، انشالله با توفیق الهی به همه آرزوهای ورزشی و زندگیت دسترسی پیدا کنی. ناگهان سالن منفجر شد خودجوش همه هورا هورا و کف زدن و من چشمانم اشک جاری شد و خوشحال فقط تشکر کردم و از خداوند برای همه ارتشیان فهیم و جان برکف و با شخصیت و شجاع ایران وطنم آرزوی سلامتی و پیروزی نمودم.
بعد از آن چنان هیاهویی در سالن پیچید که بارها برگزارکنندگان سپاه بهداشت که از مرکز و سازمان سپاه بهداشت آمده بودند تقاضای سکوت کردند.
مرکز بوشهر ۱۲ نفر نیاز داشت که جلوی آن نام من و واهیک میناییان نوشته شد و هنوز ۱۰ نفر دیگر خالی بود، سپس کسانی‌که با من در پادگان در یک آسایشگاه بودیم و خیلی با هم صمیمی بودیم جلو آمدند و یکی یکی بوشهر را انتخاب کردند، همگی ورزشکار حمید کاکاوند والیبالیست، حمید حقی از گروهان ۶ بود ولی در اکیپ ما که در گروهان ۵ بودیم خیلی خیلی با واهیک میناییان دوست بود و همواره من و واهیک که همیشه با هم بودیم و ورژ خچومیان هم از بازیکنان آرارات کنارمون بود با حمید حقی مثل یک برادر و شخصیتی دوست داشتنی که در خیلی از رشته‌ها به غیر از فوتبال مهارت داشت و در شنا و بوکس و والیبال بهترین بود و دیگر اعزامی به بوشهر رضا رعوفی و عباس دوستدار که هر دو از خوبان و مردان با معرفت و اهل ورزش و بسیار دوست داشتنی، جمعا سهمیه بوشهر آن روز دوازده نفر مشخص شد و قرار شد به اتفاق در روز موعود جلوی ساختمان سپاه بهداشت در میدان کندی همدیگر را ببینیم و پس از مأموریت و نامه اعزام به پایگاه بوشهر سفر کنیم.



با بچه‌ها قرار گذاشتیم صبح شنبه ساعات اولیه وقت اداری جلوی سازمان سپاه بهداشت همگی حضور داشته باشیم تا بخاطر کارهای اداری و تایپ نامه‌ها و مهر و امضاء و برگه بخاطر سفر و در بین راه که به عنوان سپاهی بهداشت خود را به پایگاه بوشهر معرفی کنیم، شکر خدا تعداد چشم‌گیر ما و تعجب کارمندان سازمان، خیلی خیلی با احترام با ما برخورد کردند و ریاست سازمان دستور مقتضی صادرکرد و از معاون خود خواست که هر چه زودتر با همکاری دیگر افراد معرفی و نامه‌های بین شهری و مأموریت ما جهت معرفی و اعزام به بوشهر انجام شود.
تقریبا همان روز تا وقت اداری همه چیز آماده شد و عکس‌های لازم و تقریبا فوری که گرفته بودیم در عرض دو ساعت با کمی روتوش و آن قیافه‌های عجیب و غریب که بعضی از بچه‌ها عکس های خودشون را هم نمی‌شناختند. آن روز آن‌قدر شوخی و خنده و جوک برای هم ساختیم که بعضی به دنبال عکس‌های بهتر بودند و التماس می‌کردند که هرچه عکاس فتو چارلی می‌خواهد با رضایت می‌دهند تا تصاویر قابل تحمل باشد، درست یادم هست فقط عکس واهیک میناییان را همه تشخیص می‌دادند، آن‌هم بخاطر چشمان روشن و سر تراشیده وکله بورش، وگرنه عکس‌های خیلی‌ها مثل هم بود، زشت و بی ریخت و قابل تشخیص نبود، درواقع عکس من و چند تا از بچه‌ها را می‌شد، خیلی‌ها به معرفی نامه‌شان الصاق کنند و کسی هم متوجه نشود، به هرروی داستان بامزه ای بود و با شوخی وخنده سپری شد. در پایان روز تصمیم گرفتیم دوشنبه سرساعت ده صبح ترمینال جنوب باشیم و راهی شیراز بشویم و چون چند روز هم بین راهی به ما وقت داده بودن خوشحال و خیلی زود همگی موافقت کردند و هریک راهی خانه شدیم.

حکایت فرزند واسموس در بوشهر





نام این دیپلمات و جاسوس بزرگ آلمانی که روزگاری پهنه جنوب و غرب ایران را عرصه تاخت و تاز شگفت‌انگیز جنگ‌های قهرمانی، فرارهای معجزه‌آسا و اقدامات سیاسی عجیب خود قرار داده بود و هنوز خانواده‌ها، قبایل، سیاستمداران، جنگاوران محلی و فرزندان ایشان یادگارهای پر از دلهره و هراس او را بخاطر دارند، به آن جهت یکبار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد که یک تاجر آلمانی به نام «شومان مایر» مقیم هایدلبرگ آلمان به چند موسسه دولتی و خصوصی رسماً نوشت که شخصی به نام خضر چغادکی را پیدا کنند و به وی معرفی نمایند زیرا به موجب مدارک غیرقابل انکاری که وی در دست دارد این پسر حقیقی و اسموس است و باید دویست هزار مارک (تقریباً ۴۰۰۰۰۰ تومان) باقیمانده ماترک و اسموس را تحویل بگیرد. ماجرایی که پس از چهل سال بار دیگر نام این مرد شگفت‌انگیز و افسانه‌ای را بر سر زبان‌ها انداخت ظاهرا از یک جریان عشقی در نواحی مجاور بندر بوشهر سرچشمه می گیرد و قهرمان آن زنی به نام زینب است که شومان مایر آلمانی اینک دنبال او یا فرزندش خضر چغادکی می گردد. واسموس هنگامی که در اواخر عمر در چغادک به سبزیکاری و کشاورزی مشغول بود با زنی به نام زینب (دختر صمدخان انگالی) ازدواج کرد و ثمره ازدواج او پسری بود که خضر نام داشت و بعدها شناسنامه‌ای به نام خضر چغادکی برایش صادر شده، شومان مایر می‌نویسد: آخرین خبری که از خضر چغادکی داشته در سال **۱۹۳۳** بوده است ظاهراً در آن سال زن آلمانی واسموس از آلمان به چغادک می‌رود تا لوازم کشاورزی تراکتور و مایملک همسر فقیدش را از کدخدایان چغادک و چاهکوتاه تحویل بگیرد.

همسر و اسموس در این سفر موفق می شود یک صندوق کهنه آهنی را که شوهرش در کنار یک درخت کنار" مخفی کرده و قبلا محل آن را برایش شرح داده بود، پیدا نماید.

در این صندوق واسموس شرح همه فعالیت‌ها و اقداماتی را که هنگام اقامت در ایران و مبارزه با انگلیسی‌ها انجام داده بود به سیستم تندنویسی اختصاری «شورت هند» یادداشت کرده بود. همسر واسموس پس از مراجعت به آلمان با کمک دو نویسنده معروف آن‌جا که از دوستان شوهرش بودند یادداشت‌های وی را تنظیم و به صورت کتاب منتشر ساخت.

این کتاب دقیق‌ترین شرح عملیات و فعالیت‌های واسموس بزرگترین جاسوس در خاورآسیا بخصوص ترکیه، عراق، ایران، افغانستان و هند است. با اطلاعاتی که ظاهرا از مدارک مربوط به همین کتاب بدست آمده، همسر واسموس هنگام اقامت خود در چاهکوتاه و چغادک از وجود خضر چغادکی مطلع می‌شود ولی چون خضر همراه مادرش به دشتستان رفته بود، موفق به دیدار وی نمی گردد. اکنون پس از گذشت قریب چهل سال که از تولد خضر چغادکی می گذرد، شومان مایر فرزند فردریک یوهانس که رئیس و مافوق واسموس بوده به هویت خضر چغادکی و وصیت‌نامه‌ای که واسموس درباره او به مرکز سازمان جاسوسی آلمان تسلیم کرده پی برده و در صدد اجرا وصیت‌نامه واسموس و پرداخت دویست هزار مارک باقیمانده دارائی پدرش به وی بر آمده است. شومان مایر در نامه به یکی از آزادیخواهان قدیمی بوشهر که اکنون مقیم تهران است می‌نویسد: من ماه گذشته موفق شدم به وصیت‌نامه واسموس و دارائی او و یادداشت‌هایی که پدرم درباره این مرد زیرک و باهوش، داشت دسترسی پیدا کنم، ابتدا تصور می کردم مبلغی که واسموس برای فرزندش خضر گذارده، از بین رفته است ولی بانکی که این پول در آن به امانت گذاشته شده است به من اطلاع داد که نه تنها آن مبلغ بلکه بهره چهل ساله آن نیز قابل پرداخت به بازمانده واسموس و خضرٍ چغادکی می‌باشد و تقاضا کرده است که هر کس خضر یا مادر را می‌شناسد یا از آن‌ها اطلاعی دارد فوراً به او اطلاع دهد تا آخرین ماجرای مربوط به زندگی افسانه‌ای و اسموس پایان پذیرد.

(منبع: تهران مصور شماره ۱۱۳۴ مورخ ۷/۳/۱۳۴۴،
به نقل از کتاب هزار و یک شب استان بوشهر، گردآوری و تدوین غلامرضا غریب زاده)

خاطراتی از دوران دبستان فخردایی در بوشهر

دکتر عبدالرحیم مهرور : بیان خاطرات هر چندٍ که تلخ هم باشد با مرور آن‌ها می‌تواند شیرین شود. اصولاً روند زندگی و الگویش با خاطرات، روشن و آبدیده می‌شود. خاطرات گویای حقیقتی است که می‌تواند انسان‌ها را به کمال و جمال برساند یا تجربه‌ای برای فرار از شکست‌ها و رسیدن به موفقیت‌های بالاتر باشد. خاطرات می‌تواند دنیای پر رمز و رازی باشد که انسان‌ها را با خواندن آن‌ها شریک لحظه‌های گذشته، حال و آینده کند.

یادش بخیر از آن دوران دبستان: از بازیگوشی دارا و سارا تا دندان‌های شیری هما که دختر خنده‌رویی بود همگی شیرین بودند. از دهقان فداکار تا چوپان دروغگوی جفاکار، از گرسنگی حیوانات حسنک کجایی تا آن پیرزن ننه سرما، همگی آمیخته‌ای از رویاها و حقیقت دیروز و امروزی ما بود. راستی از خواب‌آلودگی‌های سر صف صبحگاهی و دقایق ساعات آخر کلاس که کیف‌های‌مان را در دست گرفته و آماده زنگ آخر برای فرار به خانه بودیم، چه اخم و لذتی داشتیم. در آن دوران کیف مدرسه شما چه شکل و شمایلی داشت؟ پوشاک و کفش‌هایتان چطور؟ آیا مناسب تن و روح و روان شما بودند یا خیر ؟ یادش به خیر آن روزهایی که بجای کیف مدرسه کتاب‌ها و دفاتر را با یک کش می بستیم و با نان و خرما روانه دبستان می‌شدیم و بعضی‌ها بجای کیف همه کتاب‌ها و نوشت ابزارشان را در یک کیسه پلاستیک شفاف می گذاشتند و آن‌هایی که با کلاس تر بودند کیف مدرسه با انبوهی از مواد غذایی که بعضی دانش‌آموزان مخفیانه ناخنکی هم به آن می زدند البته بعضی‌ها هم کیف پاره پوره ای داشتند که در بین راه قلم یا خودکار و یا پاکن و تراشی که داشتند از سوراخ همان کیف پاره می افتاد.

لباسهای‌مان هم مثل کفش‌های‌مان طبقاتی بود. بعضی‌ها پاره پوره و بعضی‌ها هم وصله دار (جا دارد یادی کنیم از نویسنده بوشهری رسول پرویزی با کتاب شلوارهای وصله‌دار) و در مواردی با دمپایی و اگر شاگردی کت و شلواری داشت آن‌چنان بزرگ بود که والدینش برای ده سال آینده اش، آینده گرایی می کردند !

اما دو خاطره بسیار جالب در دبستان دارم که نباید از آن گذشت. در آن ایام هم محلی و همکِلاسی‌های جور و ناجوری داشتم بنام‌های حسنو، پرویزو، مندو، گُلو و بُلو یک روز با این که زرنگ کلاس سوم بودم حسنو و پرویزو که از لحاظ درسی ضعیف‌تر از من بودند فریبم دادند و بجای کلاس رفتیم اطراف مدرسه بازی کردیم تا وقتی که زنگ آخر زده شد و برای رفتن به خانه مثل یک خاطی، قاطی بقیه دانش‌آموزان روانه خانه شدیم همین‌که وارد خانه شدم به مادرم (ننه) گفتم ننه مو امروز مدرسه بودم، همین‌که این جمله از دهانم پرید (داستان روباه و زاغ، نفرین بر دهانی که بی‌موقع باز شود) مادرم فهمید که همان روز نرفتم مدرسه بلافاصله همان‌جا حسابی، حسابم رسید که برای همیشه درس عبرتی شد برام. اما روزی دیگر سر کلاس درس ریاضی پنجم به معلمی آقای ظفرمند (یادش بخیر) یکی از دانش‌آموزان داشت روی تخته سیاه اشتباهی یک مسئله ریاضی حل می‌کرد تنها کسی که متوجه اشتباه این دانش‌آموز شد من بودم اما از آن‌جایی که در دبستان خجالتی بودم ضعف این دانش‌آموز را به یکی از همکتی‌هایم گفتم و ایشان هم بلافاصله این موضوع را به آقای معلم گفت و معلم هم با یک نمره ۲۰ تشویقش کرد، در صورتی‌که کاشف نوبل آن من بودم. بی معرفت دوستم هم به رخ خودش نیاورد که از من تشکر کند و یا لااقل این نمره را با من تقسیم کند. از آن موقع تصمیم گرفتم که باید خودم باشم و باید از کم‌رویی بیرون آیم.



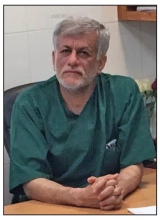
صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

آقای رئیس‌جمهور، وفاق یا نفاق ملی؟

دکتر عبدالرحیم مهرور



وقتی که می‌گوییم وفاق ملی یعنی این‌که همه گذشته‌های ناخوشایند را فراموش کنیم و به آینده‌ای خوب و دور از تنش فکر کنیم.
وفاق ملی یعنی این‌که به افکار و اعتقادات یکدیگر احترام بگذاریم، نه این‌که با شیوه «هدف وسیله را توجیه می‌کند» در فکر حذف اکثریت باشیم، آن‌هم با اهرم قدرت حداقلی!
راستی مرز بین نفاق و وفاق چه‌قدر است؟ دورویی یا نفاق ریشه اصلی شکست سیاسیونی است که نمی‌خواهند چهره واقعی خود را نمایان کنند. آن‌ها وقتی طرح و برنامه‌ای بر وفق مرادشان نباشد، حاضرند قیصریه‌ای را به آتش بکشند.
آقای رئیس‌جمهور، متضاد وفاق می‌شود نفاق. هرگز نمی‌توان با گروهی که رفتارهای چندگانه متضادی با شما دارند، دست دوستی داد؛ زیرا بیشتر این افراد به‌خاطر ربودن پست‌های کلیدی استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و دانشگاه‌ها، در ستادهای انتخاباتی ظاهر شده و با ولخرجی‌های انتخاباتی بالاخره خود را بر مسند قدرت تکیه می‌زنند و سپس دمار از روزگار ملتی ساده که برای فردایشان آرزوی بهتری دارند، درمی‌آورند.
آقای رئیس‌جمهور، متضاد وفاق می‌شود نفاق.
اصولاً در سیاست، مدیریت یک قماری است که یک طرفش باخت و طرف دیگرش برد است، اما گروه نفاق به باخت پایبند نیست و هر لحظه که اراده کند به این باخت پشت پا می‌زند!
آقای رئیس‌جمهور، متضاد وفاق، نفاق می‌شود. وفاق ملی بدون تغییر در افکار جریان‌ها و تجدید نظر در تندروی‌ها امکان‌پذیر نیست.
جناح رقیب شما مثل ورق‌بازانی هستند که به قاعده و اصول بازی اهمیتی نمی‌دهند زیرا هر چه مهره‌های آس هم رو کنند با اهرم قدرت و با یک ورق دولو همه را از شاه، بی‌بی تا سرباز می‌برند و اگر بتوانند از کرده خود پشیمان‌تان می‌کنند و در آخر به تبعید، حصر و زندان‌تان می‌کشند (توجه کنید به سخنان اخیر غضنفری، نماینده تهران).

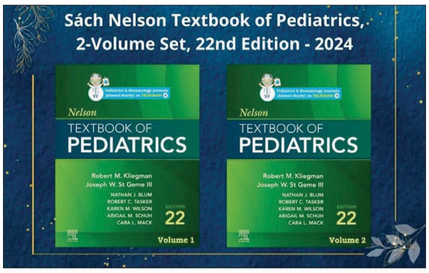


آقای رئیس‌جمهور، بنابراین شما مثل ستاره‌ای هستید که آسمانی برای درخشندگی‌تان ندارید، ولی آن‌ها مثل سیاره‌ای هستند، هر چند که نور وفاقی ندارند، اما تمام آسمان‌ها را در تسخیر دارند.
بهترین دلیل من دخالت و کارشکنی نمایندگان مجلس در انتصاب استانداران و مدیران است.



نسیم جنوب: تیم فوتبال هما در دهه ۱۳۶۰
ترکیبی از بازیکنان محلات دواس، شغاب و جلالی بندر بوشهر.
ایستاده از راست: اردشیر ممسنی، بیژن دهدار باشی ، مرحوم حسین افشارپور، حسین ماهینی، کهزاد پولادتن، اصغر ماهینی، اسماعیل شریفی، حسن مقاتلی
نشسته از راست: حیدر ماهینی، جلیل کاکی‌زاده ، محمد علی ماهینی، ناصر دهدار باشی، خدا کرم رخش، محمد ماهینی.

استناد به مقاله عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در کتاب مرجع نلسون اطفال ۲۰۲۴



معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از استناد به مقاله عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در کتاب مرجع نلسون اطفال ۲۰۲۴ خبر داد. به گزارش روابط عمومی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دکتر سید محمدهادی امامت اظهار داشت: در کتاب مرجع اطفال ۲۰۲۴ مبحث Gynecomastia به مقاله دکتر نادر شکیب آزاد فوق تخصص خون و سرطان کودکان به‌عنوان نویسنده مسئول مقاله با آدرس سازمانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر استناد شده است.

برای اولین بار

شرکت بانوی بوشهری در مسابقات کشوری سوارکاری



به گزارش ورزش بوشهرآوا شفیع‌پوری با اسب Jastin z و با مربیگری استاد مهدی متوری از باشگاه سوارکاری نیروگاه اتمی به عنوان تنها نماینده استان بوشهر در سال ۱۴۰۳ و اولین سوارکار خانم استان بوشهر در مسابقات قهرمانی سوارکاری کشور در رده نونهالان و در رشته پرش با اسب شرکت نمود.
لازم به ذکر است جناب آقای محمد آبخو دایی ایشان و مدیرعامل شرکت تندیس خلیج فارس که حامی ورزشکاران در رشته‌های مختلف ورزشی استان بوشهر می‌باشد مشوق و حامی این بانوی سوارکار می‌باشد.